

## نگاهی تطبیقی بر آموزه مهدویت در مصداق پژوهی آیه ۴۱ سوره حج

تسنیم زهرا<sup>۱</sup>، مریم السادات موسوی<sup>۲</sup>

### چکیده

در اندیشه ناب و اصیل اسلامی، یکی از باورها، ایمان به ظهور منجی است. اثبات مصداق اصلی منجی که طبق عقیده عموم مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت، سراسر روی زمین را پر از عدل و داد می‌کند، بعد از آنکه ظلم و جور همه جا را گرفته باشد، دلایل متفاوتی دارد. نخستین نکته‌ای که پس از این نظریات و آراء برای کارهای علمی راه‌گشاست، معارف عمیقی است که درباره ادله انسان کامل مطرح شده است. یکی از این ادله، آیه ۴۱ سوره حج است. درباره مصداق آیه ۴۱ سوره حج در تفاسیر، نظرات مختلفی وجود دارد. نوشتار حاضر با شیوه عقلی و نقلی و با گردآوری داده‌ها، از راه جمع‌آوری کتابخانه‌ای، در صدد تبیین مصداق اصلی آیه شریف مذکور با نگاهی تطبیقی است. بعد از گردآوری اطلاعات، آنها را با روش توصیفی-تحلیلی نوشته است. آنچه از سیر در روایات پیرامون این آیه و نظرات مفسران شیعه و سنی و احتمالاتی که مطرح است، به دست می‌آید، این مطلب روشن می‌شود که با وجود برخی روایات که ظهور بدوی در تطبیق آیه بر حضرت حجت علیه السلام را دارد، نمی‌توان ایشان را مصداق منحصر به فرد آیه دانست؛ زیرا تمامی روایات، از باب جری و تطبیق است. بنابراین، مفهوم وسیع آیه، همه افراد با ایمان و مجاهد را در بر می‌گیرد، اما بارزترین و کامل‌ترین مصداق آن در عصر حاضر، حضرت مهدی علیه السلام است.

**واژگان کلیدی:** مصداق پژوهی، آیه ۴۱ سوره حج، مهدویت، عموم مسلمین.

### ۱. مقدمه

مصداق پژوهی برای آیات قرآن، یکی از دغدغه‌های مفسران بوده و کتب تفسیری، سرشار از مواردی است که مفسر به دنبال اثبات آن است که آیه‌ای از آیات قرآن را بر شخص و یا واقعه‌ای خاص تطبیق کند. یکی از این موارد مصداق‌یابی، تطبیق برخی آیات بر منجی آخر الزمان است. گروهی از مفسران مدعی هستند که مصداق بعضی آیات قرآن، حضرت مهدی علیه السلام

۱. دانش پژوه دکتری علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از پاکستان.

۲. دانش پژوه سطح ۴ تفسیر تطبیقی، مدرس حوزه علمیه قم و دانشگاه تفسیر و معارف قرآن و حدیث قم، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه

است. یکی از آیات مورد استناد این گروه، آیه ۴۱ سوره حج است. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، در صدد تبیین مصداق اصلی آیه شریف مذکور با نگاهی تطبیقی است و به بیان برخی روایات و نظرات مفسران شیعه و اهل سنت می‌پردازد. با توجه به جست و جویی که نویسنده در سایت‌های علمی کشور انجام داده، نوشته‌ای اعم از کتاب، مقاله یا پایان نامه‌ای با این عنوان نگاشته نشده است. از یافته‌های این تحقیق، نظر برخی مفسران است که ظهور بدوی برخی روایات را تطبیق آیه بر حضرت حجت علیه السلام می‌دانند. عده‌ای نیز مفهوم آیه را وسیع دانسته‌اند که از باب جری و تطبیق همه افراد با ایمان و مجاهد را در بر می‌گیرد. مقاله حاضر، به بررسی این یافته‌ها می‌پردازد که آیا می‌توان ایشان را مصداق منحصر به فرد آیه دانست یا آیه، مصادیق دیگری را نیز شامل می‌شود؟

## ۲. بررسی آیه ۴۱ سوره حج

الَّذِينَ إِنَّمَا كُنَّا هُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست. (حج: ۴۱)

### ۲-۱. الذین

اولین مطلب مورد بحث این است که الذین، از جهت ادبی چه جایگاهی دارد. در این زمینه سه احتمال وجود دارد که عبارتند از:

- الذین، در موضع نصب و بدل از عبارت من ینصره است که در آیه قبل می‌فرماید: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ؛ خداوند آن کسی که ناصر و یاری کننده دین خدا باشد، او را یاری می‌کند». البته بعد می‌فرماید: «إِنَّ مَنْ يَنْصُرُهُ كَسَانِي هَسْتَنْد كَه» «الَّذِينَ إِنَّمَا كُنَّا هُمْ فِي الْأَرْضِ» به صورت موصول و ما بعد آن در موضع نصب است و بدل از مَنْ يَنْصُرُهُ است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ۱۳/۳۳۸؛ مبینی، ۱۳۷۱، ۶/۳۸۰)

- الذین وصف آیه قبل، یعنی «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقِّ» است، پس به صورت «این الذینان مکناهم» وصف برای الذین در اول آیه قبل باشد. (ابن هاشم، ۱۴۲۳، ۷/۳۲۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۹/۱۵۷)

- الذین، صفت برای مقاتلین و مجاهدین در راه خداست. (کاشانی، ۱۳۳۶، ۶/۱۶۰)

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹)، یعنی همین مقاتلین و مدافعین که اگر در زمین تمکنی پیدا کنند و در اختیار هر قسم زندگی که بخواهند حریتی داده شوند، در میان همه انواع و انحاء زندگی یک زندگی صالح را اختیار می‌کنند و جامعه‌ای صالح به وجود می‌آورند که در آن جامعه نماز بر پا کرده و زکات داده می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌گیرد. بر اساس نظر برخی از مفسرین، مصداق اصلی الذین در این آیه، توصیف مؤمنین است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۴۷/؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴/۱۱۷)

## ۲-۲. واژه مکن

در کتاب *العین و لسان العرب* آمده: «المَكْنُ و المَكِينُ: بِيضُ الصَّبَبَةِ و الجَزَادَةِ و نحوهما» تخم سوسمار و ملخ و مانند آن گفته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۵/۳۸۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۳/۴۱۲) جوهری در *صاحح اللغة* معتقد است «والمکن بیض الضب»، یعنی سوسمار وقتی می‌خواهد تخم‌گذاری کند، حفره‌ای را روی زمین ایجاد کرده و تخمش را داخل آن قرار می‌دهد و دو مرتبه آن را با خاک می‌پوشاند و بر حسب آنچه که در کتب لغت ذکر شده، تا چهل روز از بیض خودش مراقبت می‌کند، حالا چرا به بیض الضب، می‌گویند مکن؟؛ زیرا جایی استقرار پیدا کرده، یعنی در ماده مکن استقرار و ثبات وجود دارد. (جوهری، بی‌تا) فیومی در کتاب *المصباح المنیر* می‌نویسد: «مَكْنٌ فَلَانٌ عِنْدَ السُّلْطَانِ مَكَانَةٌ و زَانٌ ضَخْمٌ صَخَامَةٌ عَظْمٌ عِنْدَهُ وَاذْتَفَعٌ»، یعنی وقتی می‌گویند «مَكْنٌ فَلَانٌ عِنْدَ السُّلْطَانِ» (فیومی، بی‌تا، ۲/۵۷۷) به این معناست که در پیش او، آدم رفیع و باعظمتی است، «فَهُوَ مَكِينٌ» و به این آدم، «مکین» می‌گویند، یعنی این آدمی که در پیش سلطان صاحب شأنی است، به او می‌گویند که وی مکین است. «مکن و امکن و تمکن و غیره» به معنای جای دادن و برتری دادن (راغب، ۱۴۱۲، ۴/۲۳۸) و محکم کردن (طریحی، ۱۳۷۵، ۶/۳۱۷) و قدرت و اقتدار و قدرت دادن به کار می‌روند (قرشی، ۱۳۷۲، ۶/۲۶۹). صاحب *التحقیق* معتقد است که اصل واحد در این کلمه، استقرار با قدرت است و عظمت، ارتفاع، سلطنت، قدرت و شدت از آثار آن است و اطلاق این کلمه به تخم سوسمار، به مناسبت قوت و استقرار در آن است وقتی که حفره‌ای را خودش روی زمین ایجاد می‌کند و تخمش را داخل آن قرار می‌دهد و آن را با خاک می‌پوشاند و برای اینکه یک جایی استقرار پیدا کرده، یعنی در ماده مکن استقرار و ثبات وجود دارد. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۱۱/۱۶۲) باتوجه به مطالب بیان شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که منظور از مکن، یکی از صفات مؤمنین است که اگر در زمین تمکنی پیدا کنند، یک زندگی صالح را اختیار می‌کنند و

جامعه‌ای صالح به وجود می‌آورند که در آن جامعه نماز به پا داشته، زکات داده، امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌دهند.

### ۳. دیدگاه مفسران اهل سنت

مفسرین اهل سنت هفت احتمال در ذیل آیه شریفه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ» بیان کرده‌اند که به آنها اشاره می‌شود.

#### ۳-۱. احتمال اول، خلفای اربعه

بیشتر مفسرین اهل سنت معتقدند که مراد از «الذین ان مکنناهم» خلفای راشدین بودند، مانند قرطبی که در تفسیر الجامع می‌گوید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ» اربعة من أصحاب رسول الله ﷺ «لم یکن فی الأرض غیرهم» (قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۲/۷۳) فقط همین چهار نفر، یعنی همان خلفای راشدین هستند، یعنی این آیه را فقط منحصر به این اربعه می‌کند و در نتیجه مدت آن اربعه هم تمام شد، پس این آیه مصداقی ندارد و مصداقش تمام شد و رفت. فخر رازی ذیل آیه شریفه می‌گوید: «همین چهار نفر هستند که خداوند اینها را سلطنت و قدرت داد و آنها این امور اربعه را انجام دادند و این آیه بر امامت این چهار نفر دلالت می‌کند». در این آیه، خدا می‌گوید:

مهاجرین را متمکن چهار امر باید بیاوریم «وهی إقامة الصلاة وإيتاء الزكاة والأمر بالمعروف والنهي عن المنکر، لكن قد ثبت أن الله تعالى مکن الأئمة الأربعة من الأرض وأعطاهم السلطنة علیها»، یعنی در جای خودش ثابت است که خدا خلفای راشدین و ائمه اربعه را در زمین متمکن کرد و سلطنت را به آنها داد.

«فوجب كونهم آتین بهذه الامور الاربعة»، چون خداوند اینها را متمکن کرده می‌گوید: فخر رازی در ادامه می‌گوید:

چون خدا این ائمه اربعه را متمکن کرده، پس باید اینها این امور اربعه را انجام داده باشند، و «إذا كانوا أمرین بكل معروف و ناهین عن كل منکر وجب أن یكونوا علی الحق» اگر امر به هر معروفی کردند و نهی از منکر باید به حق باشد «فمن هذا الوجه دلت هذه الآية علی امامة الاربعة» این آیه دلالت بر امامت اربعه دارد. «ولا یجوز حمل الآية علی علی علیه السلام وحده». (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲۳/۲۳۱)

و عجیب این است که عین همان اصراری را که در این آیه دارد، در آیه ۵۵ سوره نور هم دارد و می‌گوید:

دلت الآية علی امامة الأئمة الأربعة و ذلك لأنه تعالى وعد الذین آمنوا و عملوا

الصالحات من الحاضرين في زمان محمد ﷺ و هو المراد بقوله ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲۴/۴۱۳)

خدا به این چهار نفر وعده داد که بیايند مدتی حکومت کنند، اشکالش این است که عمر را کشتند و عثمان را هم کشتند و امیر المؤمنین (علیه السلام) را هم کشتند؟! پس «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّنًا» چه شد؟ هیچ کدامشان که امنیت نداشتند، همه شان به قتل از دنیا رفتند، امیر المؤمنین شهید شد و دو نفر دیگر را هم کشتند و عجیب این است که عین همان اصراری را که در آن آیه دارند، در همین آیه هم دارند. بیضاوی در *انوار التنزیل* می نویسد: «فیه دلیل علی صحة أمر الخلفاء الراشدين إذ لم يستجمع ذلك غيرهم من المهاجرين» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۷۳/۴). غیر از این چهار نفر از مهاجرین، کسی این چهار کار را انجام نداده است. آلوسی در *روح المعانی* معتقد است که این آیه مختص مهاجرین است و ممکنین از این مهاجرین، فقط خلفای اربعه هستند و غیر از اینها کس دیگری نیست. اگر این اوصاف باقیه، یعنی اقامو الصلاه تا آخر نشود، خلف در مقال و کلام خدا لازم می آید. بعد می گوید چون همه دیدند که این چهار نفر به حکومت رسیدند. وقتی که مقدم واقع شده، یعنی تمکن این اربعه «لزم وقوعه» وقوع تالی، یعنی پس تمام این چهار نفر اقامه صلاه کردند، ایتاء زکات کردند و امر به معروف و نهی از منکر هم کردند. بعد می گوید «وفی ثبوت التالی ثبوت حقیة الخلافة» در ثبوت تالی این است که این خلافت حق است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۹/۱۵۷) تفاسیر دیگر مانند التفسیر المظهری (المظهری، ۱۴۱۲، ۶/۳۳۱) قائلند که این آیه بر صحت امر خلفای راشدین دلالت می کند.

### ۲-۳. احتمال دوم، مهاجرین، انصار و تابعین

ابن عباس می گوید مراد از مهاجرین، انصار و تابعین هستند. (قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۲/۷۳)

### ۳-۳. احتمال سوم، اصحاب پیامبر ﷺ

قتاده می گوید: «مراد تمام اصحاب پیامبر ﷺ است». (طبری، ۱۴۱۲، ۱۷/۱۲۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ۴/۳۶۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ۷/۲۶)

### ۳-۴. احتمال چهارم، اهل نمازهای پنجگانه

عکرمه می گوید که مراد، اهل صلوات الخمس هستند. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ۷/۲۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۲/۷۳)

### ۳-۵. احتمال پنجم، امت رسول ﷺ در زمان قدرت

مراد، امت رسول ﷺ در زمان قدرت یافتن است. از ابو العالیه نقل کردند که گفته: «هم هذه الامة إذا فتح الله عليهم أقاموا الصلاة» (قرطبی، ۱۳۶۴، ۷۳/۱۲). اگر در جایی پیروز شوند، حالا آن امتی که پیروز نشدند، حکومتی هم ندارند. «اذا فتح الله عليهم» کنایه از حکومتی است که اینها دارند.

### ۳-۶. احتمال ششم، مطلق حکام مسلمین

مراد فقط مطلق حکام مسلمین است. ابن ابی نجیح می گوید: «مراد «الولاية» (قرطبی، ۱۳۶۴، ۷۳/۱۲) است، یعنی او فقط منحصر در حکام از مسلمین می داند.

### ۳-۷. احتمال هفتم، حکام مشروع مسلمین

مراد فقط حکام مشروع مسلمین است. ضحاک می گوید: «هو شرط شرطه الله عز وجل علی من أتاه الملك» (قرطبی، ۱۳۶۴، ۷۳/۱۲).

### ۴. نقد و بررسی دیدگاه اهل سنت

- تمکن خلفای اربعه در روی زمین از جانب خدا محل بحث است، بلکه همه آنها حجت شرعی در این امر نداشتند و ثابت نیست که تمام این چهار نفر را خدا متمکن در ارض کرده است.

- فراز «ان مکناهم» وصف گروه است، نه اشخاص، یعنی خداوند، گروه را متمکن در زمین کرده نه شخص را. به نظر می رسد این آیه، نظر به شخص و افراد ندارد و آیه می گوید که گروهی هستند که خدا اینها را بر روی زمین متمکن می کند. در آیات قرآن که مربوط به حضرت حجت علیه السلام هست، بحث از گروه و جماعت است، منتهی جماعتی که در رأس آن حضرت مهدی علیه السلام است، نه اینکه یک شخص بیاید و آیاتی مثل «بقية الله خير لكم» و «وأن الأرض يرثها» و «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» و آیات دیگر دلالت بر گروه دارد.

- ظاهر آیه این است که «فی الأرض»، یعنی «فی جمیع الأرض»، یعنی غالب کره زمین، یعنی این جماعت این چنین هستند.

- چگونه این آیه، مربوط به زمان خلیفه اول تا سوم است که بسیاری از معروفها ترک شد و به بسیاری از منکرها امر شد؟ و تاریخ در آن زمان، اموری ضبط کرده که به هیچ وجه نمی توان نام آن را احیای حق، و اماته باطل گذاشت، پس چطور می توان گفت که این آیه، مربوط به

این دوران است؟ پس این آیه مربوط به خلفای راشدین نیست، اما این مطلب که مصداق این آیه حضرت حجت علیه السلام است و نه سایر گذشتگان و آیندگان. از این روایات به دست نمی آید و این احادیث بیان کننده مصداق های روشن و آشکار است و مانع عمومیت مفهوم آیه نیست، بنابراین مفهوم گسترده آیه، همه افراد با ایمان، مجاهد و مبارز است.

## ۵. آیه ۴۱ حج از دیدگاه مفسران شیعه

### ۱-۵. دیدگاه روایی

در تفاسیر روایی ذیل این آیه شریفه، مصداق اتم و اکمل این آیه را طبق روایات وارد شده حضرت مهدی علیه السلام بیان کرده اند.

### ۱-۱-۵. امام باقر علیه السلام می فرماید:

این آیه برای آل محمد علیهم السلام است و حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب او، مالک می گرداند ایشان را خدا مشارق و مغارب زمین، و آشکار فرماید دین را، و می میراند خدا به سبب آن حضرت و اصحابش بدعت ها و باطل ها را، چنان که می رانند شقی ها حق را تا آنکه دیده نشود کجاست ظلم، و ایشان امر به معروف و نهی از منکر کنند. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۳/۵۰۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۳/۳۸۲؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۳۳۹)

### ۲-۱-۵. محمد بن عباس ذیل آیه «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» به سند خود از حضرت

موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده و فرمود:

نزد پدرم بودم. شخصی حضورش شرفیاب شده، عرض کرد آیه ای از قرآن نفهمیده و تفسیرش را نمی دانستم. از جابر بن یزید سؤال کردم او مرا حضور شما هدایت کرد و فرمود کدام آیه است؟ این آیه را قرائت کرد. پدرم فرمود این آیه درباره ما اهل بیت پیغمبر وارد شده و سبب نزولش این بود که فلان و فلان و هشت نفر دیگر از منافقین و تابعین آنها که اسامی ایشان را نیز بیان کرد. خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله حاضر شده گفتند ای رسول خدا، بعد از شما امر دین در دست چه کسی خواهد افتاد. به خدا قسم ما می ترسیم که مبادا به اهل بیت خود واگذار فرمایید و برای ما بهتر آن است که به غیر اهل بیت برگردد. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در غضب شد. فرمود به خدا قسم اگر شما به خدا ایمان داشته و رسالت مرا تصدیق دارید، نباید نسبت به اهل بیت من بغض داشته باشید؛ زیرا بغض نسبت به اهل بیت من، در حکم بغض به من است و بغض درباره من، موجب کفر به خداست. قسم به خدا اگر اهل بیت من قدرت و تمکن پیدا کنند، هر آینه نماز را به پا داشته و زکات را می دهند و امر به معروف و نهی از



منکر کنند و خداوند بینی کسانی که بغض من و اهل بیت و ذریه ام را در دل دارند، به خاک می‌مالد. در همان موقع آیه «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ» نازل شد. (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۳۳۸)

## ۵-۲. دیدگاه اجتهادی

علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه می‌فرماید:

مراد از مؤمنین، عموم مؤمنین آن روز، بلکه عامه مسلمین تا روز قیامت است. بنابراین، دیگر نباید توهم کرد که مراد از این صفت، صفت مخصوص مهاجرین زمان رسول خدا ﷺ است. حال چه این آیات را مکی بدانند و چه مدنی. گو اینکه مسئله اخراج از دیار و مظلومیت، مخصوص آنان است؛ زیرا مسئله اخراج از وطن و مظلومیت، سوژه بحث است و مورد مخصص نیست؛ زیرا مخصص بودن مورد، با عموم موصوفین در صدر آیات و عمومیت، حکم جهاد منافات دارد. علاوه بر اینکه، جامعه صالحی که برای اولین بار در مدینه تشکیل شده و تمامی شبه جزیره عربستان را گرفت، عالی‌ترین جامعه‌ای بود که در تاریخ اسلام تشکیل یافت و جامعه‌ای بود که در عهد رسول خدا ﷺ در آن جامعه نماز به پا می‌شد، زکات داده می‌شد، امر به معروف و نهی از منکر می‌شد، و این جامعه به طور قطع، سمبل و مصداق بارز این آیه است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۴۷)

آیت الله مکارم هم مصداق آیه را عموم مؤمنین گرفته و بر این باور است که:

یاران خدا که در آیه قبل، وعده یاری به آنها داده شده، کسانی هستند که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و هرگز پس از پیروزی، همچون خودکامگان و جباران، به عیش و نوش و لهو و لعب نمی‌پردازند، و در غرور و مستی فرو نمی‌روند، بلکه پیروزی‌ها و موفقیت‌ها را نردبانی برای ساختن خویش و جامعه قرار می‌دهند. آنها پس از قدرت یافتن، تبدیل به یک طاغوت جدید نمی‌شوند و ارتباطشان با خدا محکم و با خلق خدا نیز مستحکم است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۱۷/۱۴)

صاحب کتاب *انوار درخشان* نیز معتقد است:

آیه، بیان اوصاف و فضایل مسلمانان صدر اسلام از مهاجر و انصار است که به شعار اسلامی ملتزم بودند و با برپایی فرایض یومیه، به هیئت جماعت قیام کرده و به زیردستان کمک می‌کردند و شعار آنها، امر به معروف و نهی از منکر بود. سپس می‌گویند دستور دفاع و جهاد با کفار و بت پرستان که غرض اصلی آیه است، شامل عموم مسلمانان می‌شود؛ زیرا آیه به طور قضیه حقیقیه بوده و نظری به افراد و اشخاص به خصوص نداشته است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ۱۱/۱۸۵-۱۸۴)



در تفسیر روان جاوید، مصداق اکمل آیه شریفه «الذین ان مکناهم» را ظهور امام زمان علیه السلام دانسته و می‌گوید:

کسانی هستند که اگر خداوند قدرت و سلطنت کامل به آنان عطا فرماید، در روی زمین بر پا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و هر امر و ملک و سلطنت و قدرتی منتهی به خدا می‌شود و جز او قادر و غالب و عزیز و مقتدری باقی و برقرار نخواهد ماند و در روایات ائمه اطهار، این جماعت به آل محمد علیهم السلام و امام زمان علیه السلام و اصحاب آن حضرت تفسیر شده و معلوم است که افراد کامله، آن ذوات مقدسه هستند و سلطنت حقه الهیه و امر به معروف و نهی از منکر به نحو اکمل در زمان ظهور امام زمان علیه السلام خواهد بود. (تقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ۶۱۰/۳)

بنابر روایات وارده در ذیل آیه مورد بحث، وثوق حاصل می‌شود که این آیه در مورد حضرت حجت علیه السلام است، اما این مطلب که مصداق این آیه، حضرت حجت علیه السلام است و نه سایر گذشتگان و آیندگان، پس روایات به دست نمی‌آید و این احادیث بیان کننده مصداق اتم و اکمل بوده و مانع عمومیت مفهوم آیه نیست. تفاسیر اجتهادی نیز مصداق اکمل آیه شریفه «الذین ان مکناهم» را زمان پیامبر صلی الله علیه و آله یا ظهور امام زمان علیه السلام می‌داند و مفهوم آیه را عموم مؤمنین آن روز، بلکه عامه مسلمین تا روز قیامت می‌دانند. بنابراین، مفهوم گسترده آیه، همه افراد با ایمان، مجاهد و مبارزه تا روز قیامت است.

## ۶. نتیجه گیری

مشهور مفسران شیعه و اهل سنت، آراء و نظرات گوناگونی در خصوص مصداق آیه ۴۱ سوره حج دارند. برخی از مفسران اهل سنت، خلفای راشدین را مصداق آیه می‌دانند که فاقد دلیل است. بعضی نیز معتقدند که آیه، منطبق بر مهاجرین و انصار و یا اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله است که در برخی کتب تفسیری اهل سنت ذکر شده و قابل اثبات نیست، ولی بسیاری از مفسران شیعه، طبق روایات، مصداق آیه را نه تنها عموم مؤمنین زمان نزول آیه، بلکه عامه مسلمین تا روز قیامت می‌دانند. این روایات از باب جری و تطبیق بوده و فقط به دنبال ذکر روشن‌ترین مصداق آیه است. روایات مقبول شیعه، حضرت حجت علیه السلام را مصداق اتم و اکمل آیه ذکر کرده‌اند.

- \* قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۳. ابن هائم، شهاب الدین احمد بن محمد (۱۴۲۳). التبیان فی تفسیر غریب القرآن. بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸). انوار التنزیل و اسرار التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲). الكشف والبیان عن تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸). تفسیر روان جاوید. تهران: برهان.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا). تاج اللغة و الصحاح العربیه. بیروت: دار العلم للملایین.
۸. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی (۱۴۰۹). تأویل الآیات الظاهره. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۹. حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴). انوار درخشان. تهران: کتاب فروشی لطفی.
۱۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۴۱۲). معجم مفردات الفاظ قرآن. بی جا: دار الکتب العربی.
۱۱. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۲. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی، محمد باقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه.
۱۴. طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۱۵. فخر الدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: انتشارات هجرت.
۱۷. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵). تفسیر الصافی. تهران: انتشارات الصدر.
۱۸. فیومی، احمد بن محمد (بی تا). مصباح المنیر. بی نا: بی جا.
۱۹. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۲). قاموس قرآن. تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۲۰. عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور. قم: انتشارات اسماعیلیان.
۲۱. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع الاحکام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۲. کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. تهران: کتاب فروشی محمد حسن علمی.
۲۳. میبیدی، رشید الدین؛ احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عده الابرار. تهران: انتشارات امیر.
۲۴. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
۲۵. مظهری، محمد ثناء الله (۱۴۱۲). التفسیر المظهری. پاکستان: مکتبه رشدیه.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.